الامتعة فيغلوا ديتهم من شرائها فترخص والعوض فيما يدخل على الناس من الالام
نحو ذلك على الظاهر الحق فان الغلاء والرخص يكونان بتقدير الله باعمال الناس
وذلك ان الله سبحانه قد يقلل الامتعة او الاسباب وجودها اما عقوبة لبعض اهل
المعاصي بما قدمت ايديهم [illegible] وان لم يصح لاجل كونه منهم كما في قوله
تعالى فلا تقعد معهم [illegible] فحديث غيره انكم اذا مثلهم او اختبارا للعباد
كما في قوله تعالى ليبلوكم [illegible] وليذيقهم حلاوة الفرج كما في قوله تعالى ولنبلونكم
بشيء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات وبشر الصابرين
او ليرفع درجة الشاكرين على الرخاء الصابرين على البلاء فان عجب المؤمنين
كل ذلك وللحكمة في [illegible] في الرخص وقوله والاسباب وجودها
اي يقلل اسباب وجود الامتعة اي بل اسباب قابليته وجودها مثل كثرة
الطالب وايجاد المحك ومنع الامطار وخوف الطرق وكثرة قطاع الطريق و
امثال ذلك بان يكل الذي يخالف حجة الله الى نفسه حتى تقع من اسباب المنع
من المعاصي ومن ظلم العباد وغير ذلك فان كل ما يكون سببا للغلاء انما هو
لانه تقتضيه تحقق المعبود او سبب لتقتضيه الا ان مقتضى الكرم الرخاء والرخص
وانما يكون خلافه لما لمقتضى الاجل مانع من تفضلات قوابل المكلفين فان
قلت ان الغلاء والرخص من الله عز وجل بمعنى انه قدر اسباب ذلك بتقصيرات
المكلفين في الغلاء وبفضله في الرخص فقد اصبت وان قلت ان الغلاء والرخص
بسبب اعمال العباد بمعنى انه تعالى عاملهم بعدله في الغلاء وتجاوز عنهم في الرخص فقد
اصبت والواجب على العباد شكر على نعمائه وحمدا لمولى كرمه على [illegible] والرضا
في كل حال بقدره وقضائه فانه ولي كل خير وصلى الله
على محمد وآله الطاهرين قد فرغ من تسويدها
مؤلفها العبد المسكين احمد بن زين الدين
الاحسائي سنة ۱۲۳۲

بسم الله الرحمن الرحیم

علم النفس

۱۷

علم النفس

علم النفس علمی است که از شناسائی نفس بحث میکند.

کیفیت نفس — مراد از نفس جوهر مجرد ممتاز و مستقل از [illegible] بنحوی وجود داشته باشد.
[illegible] که قائم بالذات است نفس و [illegible] بر خلاف [illegible]
مجرد [illegible] است [illegible] دارای [illegible] بنحوی [illegible]

گاه نیز مراد از نفس مجموع حالات نفسانی از قبیل تخیل، تصور، حکم، حس [illegible] علم دیگر میباشد.

اگر نفس را بمعنی جوهر مجرد ممتاز و مستقل از [illegible] بدانیم علم النفس [illegible] از [illegible] و فلسفه اولی و جزء
در ما بعد الطبیعه (ما وراء الطبیعه Métaphysique) [illegible] اگر نفس را بمعنی مجموع حالات
و کیفیات نفسانی بگیریم علم النفس بحث و تحقیق از حالات نفسانی تصور [illegible] اراده و غیره [illegible]
علمی است [illegible] ما بعد الطبیعه [illegible] علم تحقیقی [illegible] پس در علم النفس [illegible]
از چیزهائی [illegible] در وجود آنها از [illegible] تردید [illegible]

علم [illegible] با واسطه و بی واسطه. مثلاً کسی از دور [illegible] بینند [illegible] علم [illegible]
ایجاد شده [illegible] واسطه [illegible] علم [illegible] بی واسطه [illegible] است.

بنابراین [illegible] حالات نفسانی [illegible] و تحقیق [illegible] از [illegible] آثار خارجی

تعریف علم النفس — علم النفس عبارتست از توصیف و تحقیق نفسانیات و [illegible] حاکم بر آنها.

روابط علم النفس با سایر علوم [illegible] علوم [illegible] حکمت یا فلسفه نامیده
میشد [illegible] توسعه علوم [illegible] لذا [illegible] و
[illegible] علوم [illegible] است [illegible]
[illegible] و اکنون علوم را [illegible] از [illegible]
[illegible] علم [illegible] ارتباط [illegible]

فقط است چنانچه مثلاً علم [illegible] مباحث یک علم مخصوص دیگری بیشتر و نسبت با سایر علوم کمتر است. ~~[illegible]~~

علم النفس با تمام علوم مربوط است با علم الحیات Biologie و علم الاجتماع Sociologie

روابط آن بیشتر از سایر علوم است. مناسبات علم النفس با علم الحیات دارد [illegible] موضوع بحث علم النفس

و علم الحیات یکی است چه موضوع علم النفس حیات گفته شد با موضوع علم الحیات عبارت است از کیفیات اعضاء

و اعمال آنها [illegible] از قبیل هضم و گردش خون ... و غیره ربط دارد بعبارت دیگر موضوع

علم النفس حیات نفسانی است با موضوع علم الحیات که حیات [illegible] است مربوط میباشد. البته از [illegible] لحاظ

اختلاف دارند مثلاً نفسانیات چنانچه [illegible] گفته شد مجرد است یعنی [illegible]

[illegible]

هر یک از کیفیات نفسانی [illegible] مثلاً [illegible] از کیفیات نفسانی [illegible]

با کیفیتی بدنی [illegible] و غیره همراه میباشد [illegible]

اگر مثلاً [illegible] کیفیتی بدنی [illegible] در کیفیات نفسانی [illegible]

است و قسمتی از [illegible] اختلال [illegible]

در [illegible]

نفسانیات [illegible] نفسانیات [illegible] میپردازد

رابطه علم النفس با علم الاجتماع نیز [illegible] مورد بحث [illegible] میباشد [illegible]

[illegible] در دوره زندگی اجتماعی [illegible] مورد بحث علم الاجتماع میباشد

[illegible] روابط [illegible] از محیط اجتماعی [illegible]

میکنند بعبارت دیگر [illegible] مثلاً [illegible]

در [illegible] نفسانیات [illegible]

است [illegible] از جمله [illegible] افراد [illegible]

18

حس [illegible] میباشد [illegible] دارای [illegible]

یعنی [illegible] زندگی [illegible] جامعه [illegible]

هیچ [illegible] زندگی میکند [illegible]

[illegible] در کیفیت نفسانی است

و در [illegible] میباشد [illegible]

میکند [illegible] زندگی [illegible] است پس

[illegible] محیط در [illegible] نفسانیات و افکار اثر زیاد دارد. [illegible] اجتماع [illegible]

[illegible] نفسانیات با اجتماعیات فرق ندارند بلکه فرق دارند [illegible] نفسانیات در حقیقت [illegible] اجتماعی

است [illegible] اجتماع [illegible] اجتماع [illegible]

نفسانیات [illegible] مربوط باجتماع [illegible] در حالت افراد دارای قوای

نفسانی میباشد.

فوائد علم النفس — علم النفس [illegible] علوم است: [illegible] معلومات [illegible]

دیگر [illegible] ذهنی است [illegible] از احوال عالم اطلاع داریم [illegible] ذهنی است [illegible]

در [illegible]

[illegible] معلومات [illegible]

خارجی [illegible] معلومات [illegible]

ذهنی [illegible] امور [illegible] معلومات [illegible] امور خارجی

در ذهن [illegible]

[illegible]

در ذهن [illegible]

امروزه هم با هم و با مشاهده [illegible] عالم نیز [illegible] خواهی [illegible] میشود.

ارزش معلوماتی که از قدیم باقی مانده مورد بحث قرار گرفت. در قرن ۱۸ دو عقیده مستقل راجع با نفس [illegible] بود: اول [illegible] مذهب تجربه [illegible] دوم عقیده ذهنی [illegible] امور [illegible] ذهنی [illegible] حقیقت [illegible] عاجز [illegible] [illegible] کافی [illegible] معلومات [illegible] [illegible] معلومات [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خواهد کرد.

از [illegible] معلوم [illegible] : روح [illegible] معلوم [illegible] روانشناسی [illegible] :

۱- علم النفس [illegible] روانشناسی [illegible] ۲- روانشناسی [illegible] [illegible] ۳- [illegible] روانشناسی [illegible] (Pédagogie [illegible]) [illegible] روانشناسی [illegible].

[illegible] علم النفس - [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

۱۹

[illegible] روانشناسی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

حال اگر هم [illegible] introspection [illegible] پرداخته ایم [illegible] مطالعه [illegible] :

۱- مطالعه [illegible] ۲- مطالعه [illegible] ۳- [illegible] ۱- [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] روانشناسی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ۲- مطالعه تاریخ اقوام گذشته [illegible] [illegible] [illegible] ۳- [illegible] [illegible] [illegible] اخلاق [illegible] [illegible] : ۱- اخلاق [illegible] ۲- [illegible]

ادلهٔ رسمی [illegible] در بیان مافی الضمیر خود راست [illegible] و اظهارات او [illegible] کلاه ما را

دچار اشتباه [illegible] علاوه بر [illegible] مردم برای بیان [illegible] بکار میرفت [illegible]

امروزه تنها با [illegible] در عالم [illegible] گذشته [illegible]

[illegible].

برای رفع این نقایص [illegible] دیگران [illegible] تجربه [illegible] بکار میبرند:

تجربه — [illegible]

[illegible]

[illegible] چهار قسم است: ۱ — طریقهٔ تست Test

[illegible] ۲ — طریقهٔ روح و ماده یا پسیکو فیزیک

psychophysique. ۳ — طریقهٔ روح و بدن یا psychophysiologique

بسیکو فیزیولوژیک. ۴ — طریقهٔ [illegible] یا پاتولوژی ماتال Pathologie mentale

[illegible].

۱ — طریقهٔ تست عبارت است از سؤالات [illegible] سؤال [illegible]

مثلاً [illegible]

[illegible] Test [illegible]

عیب بزرگی دارد [illegible] در بیان مافی الضمیر [illegible]

[illegible]

[illegible] سؤال [illegible]

[illegible] سؤال [illegible]

[illegible] .

[illegible] سؤالها [illegible]

[illegible] سؤال که [illegible] سؤالها [illegible]

Test [illegible] سؤالات [illegible]

[illegible] سؤالات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سؤالات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سؤالات [illegible]

[illegible]

[illegible] سؤال [illegible]

[illegible] سؤال [illegible]

۷۵ [illegible] سؤال [illegible]

[illegible] سؤال [illegible] ۷۵ درصد [illegible]

[illegible] ۷۵ درصد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سؤالات [illegible]

[illegible]

مثلاً هیچ حالتی [illegible] اگر [illegible] عصبی [illegible]
[illegible] باشد اگر.

انطوریکه برای بعضی استعداد [illegible] برای [illegible] مثلاً [illegible]
حافظه [illegible] و [illegible] دیگر [illegible] مختلف است [illegible]
برای [illegible] از [illegible] استعداد [illegible] اول [illegible]
می‌کردیم.

برای اینکه [illegible] انسان را تقسیم داده برای اشخاص [illegible]
در [illegible] برای [illegible] و [illegible] اشخاص را برای [illegible]
[illegible] برای [illegible] اشخاص [illegible] کار [illegible] میکنید.

۲- [illegible] روح [illegible] (فیزیک) - [illegible] از [illegible] خارج و
مبنا است.

احساس عبارت است از صورتیکه از امور [illegible] ذهن [illegible]
احساس عبارت است از انعکاسی که در ذهن از تأثرات عصبی حاصل میشود. [illegible]
امور [illegible] برای احساس [illegible]
[illegible] لازم است. [illegible] عبارت است از اینکه هر چیز در عالم خارج [illegible]
[illegible] صدا [illegible] تولید [illegible] هوا [illegible] صدا [illegible]
گوش داخلی [illegible] تأثر [illegible] تأثر [illegible] عصب
مغز احساس [illegible] تأثر [illegible] تولید [illegible] احساس [illegible]
و صدا [illegible] تولید صدا تا احساس آن [illegible] مرحله اول [illegible]
این مرحله را [illegible] مرحله [illegible]

۲۱

در این قسمت [illegible] تأثر عصبی [illegible] تأثیر [illegible] عصب [illegible]
[illegible] تأثر عصبی [illegible] مغز و تولید [illegible] در
مغز احساس تولید میگردد. [illegible]
[illegible] تأثر عصبی. [illegible] احساس [illegible]
احساس [illegible] احساس [illegible]
احساس [illegible] اندازه [illegible] احساس [illegible] اندازه
[illegible] احساس [illegible] اندازه [illegible]
[illegible] احساس [illegible] احساس [illegible]
مطالعه [illegible] احساس [illegible]
[illegible] روح [illegible] فیزیک [illegible]
[illegible] تأثر [illegible] احساس [illegible]
[illegible] روح [illegible] فیزیک [illegible] است.

باید دانست [illegible] احساس [illegible]
[illegible] حرکت [illegible] تأثر [illegible]
[illegible] حرکت [illegible]
حالت [illegible] حرکت [illegible]
[illegible] حرکت [illegible] داخلی [illegible] میباشد.
حرکت [illegible] مثلاً اگر
[illegible] حرکت [illegible]
[illegible] دارد [illegible] اگر [illegible]

دارد معادل آن بکار برد.

شد [illegible] که علمای اینان برای احساس‌ها کرده‌اند که موضوع دقت درک درونی نیز ملاحظه

1 است مخصوصاً که خود نیز از ناحیه معادل عالی‌تر [illegible] بکار برد. [illegible]

برای اینکه هم [illegible] از نظر [illegible] که هر کدام از چهار [illegible] بطور [illegible] معادل

قرار گرفته [illegible] احساس [illegible] مخصوص [illegible]

[illegible] تعادل [illegible] از [illegible] مخصوص [illegible]

[illegible] اضافه [illegible] تعادل [illegible] است [illegible]

[illegible] و چون [illegible] مشغول دقت و [illegible] از [illegible] گرفته [illegible]

[illegible] و این [illegible] که [illegible] موضوع دقت و [illegible] خود [illegible]

[illegible] دانسته [illegible] که [illegible] از [illegible]

[illegible] حرکت [illegible] کیفیت نفسانی [illegible] داشت. [illegible]

نظریه [illegible] حرکت [illegible] مثلاً [illegible]

اول [illegible] اول [illegible]

گویند میخوانند. [illegible] اول را فیزیولوژیست Physiologiste

و اصطلاح نظریه فیزیولوژیست را میخوانند. فیزیولوژیستها میگویند که اول احساس [illegible]

و در [illegible] (طرفداران [illegible] میگویند اول احساس [illegible]

[illegible] فیزیولوژیستها کیفیت نفسانی را بعد از [illegible] میدانند.

این نظریه [illegible] احساس [illegible] بصورت دیگر [illegible]

[illegible] دیگر [illegible]

این هم [illegible] امور [illegible]

۲۲

نفسانی و [illegible] با هم [illegible] مستقیماً عملی [illegible] و [illegible] بعبارت دیگر [illegible]

[illegible] اختلاف [illegible] از [illegible] کیفیات نفسانی

با حرکت [illegible] همراه است.

پس نتیجه این شد که چون هر کیفیت نفسانی با حرکت [illegible] همراه است [illegible] از اول [illegible]

کیفیات نفسانی [illegible] کیفیات نفسانی [illegible]

[illegible] میباشند. [illegible]

فیزیولوژی [illegible] دارد [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible] احساسات [illegible]

[illegible] از [illegible] خارجی [illegible]

از احساس [illegible] مثلاً [illegible]

[illegible] منطقه [illegible] نمی‌گردد [illegible]

[illegible] احساس [illegible] خارج

خارجی [illegible] احساس [illegible]

[illegible] احساس [illegible] مثلاً [illegible]

[illegible] احساسات [illegible]

خارجی [illegible] مثلاً [illegible] احساس [illegible]

[illegible] اگر از

[illegible] احساس [illegible]

داده است.

کیفیات نفسانی همیشه توأم است با حرکات بدنی و این نظریه با خیلی [illegible] گذشته مثلاً
[illegible] افتادن سبب افتادن او شد [illegible]
است و از مشاهده خارجی نفسانیات پی میبرند مثلاً از [illegible]
حالت سرور را [illegible].

کیفیات نفسانی با حرکات [illegible] (مثلاً [illegible])
[illegible] در تحقیق [illegible]
برای تحقیق [illegible] نفسانیات [illegible] (از [illegible]) [illegible]
[illegible] حرکات و رفتار [illegible] عوامل موثری [illegible] و احوال [illegible]
داخلی [illegible]. بعبارت دیگر [illegible] از تحقیق [illegible]
انطباق [illegible] با محیط خارج. طریقه تحقیق از روی [illegible] طریقه دیگر
تحقیق [illegible] عوامل موثر خارجی [illegible] نفسانیات [illegible]
نفسانی [illegible]. طریقه دیگر تحقیق [illegible]
روی [illegible] نفسانیات [illegible]
[illegible]
[illegible].

هر قدر [illegible] طریقه ها توسعه بدهد [illegible] علم النفس [illegible]: علم النفس تطبیقی،
علم النفس امراضی، علم النفس [illegible]، علم النفس الحیوان [illegible] و غیره.
طریقه خاص علم النفس [illegible] طریقه مشاهده داخلی [illegible] بهتر وسیله ایست [illegible]
[illegible] مشاهده خارجی [illegible] طریقه های تجربی و غیره
در روانشناسی طریقه دیگری بکار میبرند [illegible] ۱۵ [illegible]

۱ [illegible]
[illegible] Comportement [illegible]

[illegible] اختلال [illegible] حافظه [illegible]
[illegible] حافظه [illegible]
[illegible] امراض نفسانی [illegible] از مطالعه [illegible]
[illegible] اختلال حافظه [illegible]
[illegible]. مطالعه در کیفیات [illegible]
[illegible] اختلال [illegible] حافظه [illegible]
[illegible] اختلال در حافظه [illegible] اختلال حافظه
[illegible]
[illegible]
[illegible].

نفسانیات [illegible] طبقه بندی [illegible]
[illegible] طبقه بندی [illegible]
[illegible] طبقه بندی [illegible]
[illegible] طبقه بندی نفسانیات از
[illegible] مطالعه [illegible]
[illegible] طبقه بندی [illegible].

نفسانیات [illegible]: ادراکات، انفعالات و افعال تقسیم کرده اند [illegible]
[illegible] اراده [illegible]
[illegible] طبقه [illegible]
از کیفیات [illegible] (ادراکات) [illegible]

و در خارج چیزی در مقابل آنها نیست و همه خارج [illegible] ادراکات ما [illegible] (انفعالات) و یا اینکه
جنبه انعکاسی [illegible] ندارند و غالباً معنی [illegible] و کوشش هستند.

در تقسیم بندی سابق کیفیات نفسانی را ما قوای [illegible] نسبت بکه [illegible] در حال
[illegible] مثلاً ادراکات [illegible] را [illegible] مثلاً حافظه را قوه
حافظه [illegible] داند [illegible] و حافظه [illegible] مثلاً [illegible] با اینکه
[illegible] انفعالات [illegible] مثلاً [illegible]
[illegible] یعنی مثلاً [illegible] در این موضوع را
فلسفه [illegible] کیفیات نفسانی [illegible] گفتگو [illegible] خلاصه
[illegible] کیفیات [illegible] تقسیم [illegible] شرط اینکه [illegible]
[illegible] تقسیم [illegible] گفتگو [illegible] از ادراکات [illegible] از
[illegible] از انفعالات [illegible]
انفعالات [illegible] تقسیم [illegible] ادراکات
انفعالات و افعال [illegible] کیفیات نفسانی [illegible]
[illegible] کیفیات [illegible]
[illegible] کیفیت [illegible]
[illegible] دارد [illegible]
انفعالات و افعال [illegible] کیفیت دیگر [illegible]

ادراکات [illegible] ادراکات [illegible] و با [illegible] دیگر
[illegible] ادراکات [illegible] ادراکات و انفعالات [illegible]
مثلاً [illegible] و افعال [illegible]

۲۲

[illegible] ادراک
[illegible] ادراکات [illegible]
[illegible]
[illegible] مثلاً [illegible]
مثلاً [illegible] مواد [illegible]
[illegible] مواد [illegible]
[illegible] مواد [illegible]
[illegible] مواد [illegible]
[illegible] حافظه [illegible]
[illegible] مواد [illegible]
[illegible] احساس [illegible]
احساس [illegible]
[illegible] احساس [illegible]
احساس [illegible]
[illegible] کیفیت [illegible] احساسات [illegible]
[illegible] کیفیات نفسانی [illegible]
انواع احساسات [illegible] پنج دسته [illegible]
[illegible] علم تشریح [illegible]
[illegible] پنج حس [illegible] علم تشریح [illegible]
[illegible] مثلاً [illegible] تشریح [illegible]

[illegible] حیوان

در اینجا [illegible] معلوم شده [illegible] داخل صماخ [illegible] عضو [illegible]
[illegible] مجرای [illegible] داخلی [illegible] عضو سامعه [illegible]
است [illegible] عضو حس سامعه [illegible] تجربیات [illegible]
[illegible] حس سامعه دارد [illegible]
اگر [illegible] قطع [illegible] حس سامعه [illegible] دارد [illegible]
در [illegible] حالت تعادل [illegible]
تجربه [illegible] عضو حس تعادل [illegible]
دارای [illegible] خارجی و داخلی است [illegible]
[illegible] عضو [illegible] مثلاً [illegible] عضو [illegible]
احساس [illegible] مخصوص [illegible] حس [illegible]
هم [illegible] عضو [illegible] حس [illegible] است.
[illegible]
از: احساسات بصری، احساسات سمعی، احساسات ذوقی، احساسات شمی، احساسات لمسی (احساس [illegible])
احساس حرارت و برودت، احساسات تعادلی [illegible] احساسات [illegible] عضلانی، احساسات
داخلی.

احساسات بصری — احساسات بصری [illegible] حس باصره [illegible] عضو حس باصره چشم است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ۵۰۰ [illegible]
[illegible]

۲۵

[illegible] ۴۰۰ [illegible] ۸۰۰ [illegible] ۵۰۰ [illegible]
[illegible] ۵۰۰ [illegible]
[illegible])
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دارد. [illegible]
[illegible]

احساسات سمعی — احساسات سمعی [illegible] حس سامعه [illegible] ادراک [illegible]
[illegible] عضو حس سامعه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
سامعه [illegible] حس سامعه [illegible]
حس سامعه [illegible]
[illegible]

احساسات لمسی — حس لامسه یک حس مخصوص نیست بلکه چند نوع حس مختلف است منتها چون اعضاء مخصوص آنها در پوست
بدن جا دارد لذا همه را بنام حس لامسه نامیده‌اند. پوست بدن مرکب از دو قسمت بیرونی (اپیدرم)
و درونی (درم) میباشد. در قسمت درونی پوست ذرات و سلولهای مختلف وجود دارند. دسته‌ای از این سلولها
باعث احساس تماس و فشار میگردد، دسته دیگر باعث احساس سرما و گرما میگردد، دسته‌ای دیگر باعث احساس الم [illegible]
و دسته دیگر سبب احساسات عضوی و عضلانی میشوند و این دسته اخیر نه تنها در پوست بلکه در قسمت عضلانی
بدن نیز وجود دارند.

سلولهائی که باعث احساس تماس و فشار میشوند دو دسته‌اند موسوم به ذرات Meissner
و پاسینی Pacini. ذرات مایسنر بیضوی شکل و دارای [illegible] میکرون طول هستند. ذرات پاسینی
مقداری از ذرات مایسنر طویلترند. کار این ذرات احساس تماس و فشار است و علاوه بر این احساسات لمسی [illegible]
و نیز ذرات احساس الم [illegible] احساس تماس و فشار [illegible]. تحقیق معلوم کرده است [illegible] ذرات مایسنر در سطح
احساس تماس و پاسینی واسطه احساس فشار هستند. چون ذرات پاسینی از ذرات مایسنر مقداری عمیقتر [illegible]
از این جهت فقط در اثر فشار زیاد تحریک میشوند. حس تماس و فشار حس مهمی است چه اولاً نشانه محل دارد [illegible]
[illegible] ذرات مایسنر و پاسینی در تمام بدن یکسان نیست چه
بعضی نقاط بدن برای احساس تماس و فشار حساس‌تر هستند مثلاً نوک انگشتان حساس‌تر از پشت و غیره.
[illegible] احساس تماس و فشار [illegible] بوسیله آلاتی اندازه گرفته‌اند
[illegible]

۲۶

حس [illegible] نوک انگشتان [illegible] احساس دو نقطه [illegible]
[illegible] احساس دو نقطه [illegible]
[illegible] اگر حس تماس [illegible]
تماس و فشار [illegible] احساس [illegible]
[illegible] حس لامسه [illegible] حس تماس و فشار [illegible]
[illegible] احساس فاصله اشیاء [illegible]
[illegible] حس لامسه سبب احساس فاصله [illegible]
[illegible] فاصله اشیاء [illegible]
[illegible]
[illegible] حس لامسه (تماس و فشار) فاصله اشیاء [illegible]

حس سردی و گرمی — عضو احساس سردی و گرمی نیز [illegible] احساس
و فشار فرق دارد. لذا [illegible] حرارت و برودت [illegible] ذرات مایسنر و پاسینی [illegible]
ذرات [illegible] احساس سردی و گرمی [illegible] Richet [illegible]
[illegible] ذرات حرارت و برودت [illegible] تماس و فشار [illegible]
[illegible] حرارت و برودت [illegible] حس تماس و فشار [illegible] حس سردی و گرمی [illegible]
[illegible] فشار [illegible]
[illegible]
فشار [illegible] حس حرارت و برودت فرق دارند.

حس الم — دسته دیگر از ذرات [illegible]
[illegible]

و بعضی حس حرارت و برودت فرق دارد و دلیل این ادعا اینست که در اثر عملیات جراحی در اثر
زدن [illegible] عضو را احساس تا کم حسهای آنرا از بین میبرد بعداً که سایر حسها یعنی حس تماس و فشار
و برودت و حرارت بکار میافتند

حس وضع و عضلانی – عضو این حس نه تنها در تمام عضلات بلکه در مفاصل و زیر پوست نیز قرار دارد و کار این
عضو آگاه کردن تغییر حالات اعضاء بدن است مثلاً اگر شخصی دست خود را حرکت دهد یا دیگری [illegible]
حس میکند. این حس با حس وضع مربوط است ولی اگر [illegible] همراه باشد حس عضلانی نامیده میشود
عضو این حس [illegible] در عضلات و مفاصل پیدا کرده است.

حس شامه – حس شامه بکار احساس بوها میرود و عضو این بینی است که در آن [illegible] هر کس از قسمتهای
[illegible] احساس میکند و عضو احساس حس شامه [illegible]
است و در انتهای [illegible] سلولهای مخصوص قرار دارند [illegible]
جسم [illegible] سلولها را تحریک کند. [illegible] حس شامه
در ذرات بخار [illegible] سلولها اثر کند [illegible]
عصب مخصوص [illegible] سلولهاست [illegible]
احساس [illegible] صحیح [illegible]
حس شامه برای [illegible] حیوانات [illegible]
از [illegible] حس شامه [illegible]
[illegible] حس شامه [illegible]

حس ذائقه – حس ذائقه مزه‌ها را معلوم میدارد و عضو این در دهان است مخصوصاً زبان و [illegible] در داخل
دهان سلولهای مخصوصی است بنام سلولهای ذوقی [illegible] شبیه به پیاز [illegible]
[illegible]

۲۷

مزه ای [illegible] در دهان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
تشخیص داده نشود.

حس تعادل – حس تعادل و جهت یابی حسی است که [illegible] تعادل [illegible]
[illegible] حس [illegible]
گوش [illegible]
[illegible]
[illegible]
تعادل [illegible]
[illegible]
قطع کرده [illegible]
[illegible] حس تعادل [illegible]
[illegible] حس تعادل [illegible]
اگر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

خستگی و احساس راحتی و گرسنگی و تشنگی و تنفس و حالت خفقان و غیره مهمترین احساساتی هستند که در نتیجه اعمال درونی بدن ما حاصل میشوند مانند عمل معده و عمل دوران خون و غیره. و علت اینکه این احساسات را داخلی مینامند این است که بر خلاف سایر احساسات محرک آنها در خارج نیست بلکه ~~[illegible]~~ عامل محرک آنها در درون [illegible] مثلاً در اثر بکار افتادن معده حالت گرسنگی حس میشود. دیگر اینکه انسان غالباً به محل تحریک این احساسات آگاه نیست در مواقع عادی انسان متوجه نیست که در کدام قسمت حالت [illegible] حاصل میگردد. این احساسات غالباً توأم با [illegible] شخص را [illegible] و [illegible] در مواقع [illegible] احساس میشود.

انفعالات — حالتی است از لذت یا الم که شخص در نتیجه [illegible] یا در اثر [illegible] یاد [illegible] در شخص بروز [illegible] را انفعالات گویند. انفعالات بر خلاف ادراکات امری شخصی است [illegible] حالت لذت یا الم [illegible] اثر انفعالات [illegible] افراد [illegible] واحد [illegible] دیگر اینکه در انفعالات لذت [illegible] مثلاً [illegible] الم [illegible] تمام انفعالات [illegible] لذت و الم [illegible].

چون در تمام انفعالات [illegible] لذت و الم وجود دارد لذا در [illegible] لذت و الم مطالعه [illegible] انفعالات مطالعه کرده‌ام.

لذت و الم — لذت و الم چون از امور [illegible] لذا [illegible] لذت و الام هم جسمانی و روحانی. لذت و الام جسمانی و روحانی [illegible] دارند.

لذت و الام جسمانی در اثر [illegible] مثلاً [illegible] لذت [illegible] لذت و الام روحانی [illegible] و [illegible] دیگر [illegible] مثلاً [illegible] لذت و الام جسمانی [illegible]

اینکه [illegible] لذت و الام جسمانی [illegible] مثلاً در اثر [illegible] الم جسمانی [illegible] لذت [illegible] لذت و الام روحانی [illegible] مثلاً [illegible] از لذت یا الم روحانی [illegible] دیگر اینکه لذت و الام روحانی بر خلاف لذت و الام جسمانی دوام زیادی دارند. مثلاً دست کسی [illegible] الم جسمانی [illegible] یا [illegible] لذت جسمانی [illegible] مثلاً [illegible] لذت و الم روحانی دوام دارد مثلاً شخصی [illegible] اثر [illegible] لذت روحانی [illegible] زیاد دارد [illegible] روحانیست.

لذت و الام روحانی و جسمانی [illegible] انفعالات [illegible] لذت [illegible] مثلاً [illegible] از لذت [illegible].

در مورد لذت [illegible] اعمال [illegible] در مورد [illegible] احساس [illegible]

هر گاه عملی است که منتهی به اعتدال گردد و بطور کلی اعتدال الم در اکثر حالات پایان‌آور است.
تاثیر لذت و الم در نفس ما است — منطقی هر دو بار لذت یا الم است اعمال نفسانی او تغییر می‌یابد مثلاً کسیکه
دچار لذت است خیالات و تصورات او سریع‌تر [illegible] و افکار او تازه‌تر [illegible] میشود [illegible]
و دچار الم است افکار او مبهم و ضعیف و غالباً مطالب را فراموش میکند. اما [illegible] در اعمال بدنی لذت اصولاً
باعث [illegible] و الم سبب سستی و ضعف [illegible] است هر لذت در اعمال [illegible] تولید
سرعت و [illegible] الم [illegible] سستی میکند. چگونه لذت و الم فرق دارد در حالیکه لذت و الم نسبی کامل است
مزاج [illegible] ضعف [illegible] میکند. مثلاً کسیکه [illegible] دارای کمال مطلوب [illegible]
مثلاً [illegible] داشته باشد [illegible] کمال مطلوب در حالیکه [illegible] لذت [illegible]
کسیکه دارای [illegible] کامل [illegible] در [illegible]
[illegible] کیفیت مزاج [illegible] لذت و الم است [illegible]
[illegible] گذشته در [illegible] لذت و الم [illegible]
میکند مثلاً [illegible] گذشته [illegible] لذت [illegible]
[illegible] گذشته [illegible] لذت [illegible] کیفیت مزاج است.
دیگر اینکه لذت و الم در اثر [illegible] میکند مثلاً لذت [illegible]
چنانکه [illegible] محبوب [illegible]
[illegible] لذت و الم [illegible] اگر [illegible]
[illegible] لذت [illegible] اگر [illegible]
[illegible] لذت [illegible] لذت و الم فرق میکند.
چگونگی پیدایش لذت و الم — [illegible] لذت و الم [illegible] است
[illegible] اپیکور [illegible] اپیکور [illegible]

[illegible] لذت [illegible] اصل اخلاقی [illegible] اپیکور [illegible]
[illegible] اپیکور لذت [illegible] حقیقی [illegible] الم [illegible]
[illegible] (الم) [illegible] الم [illegible]
[illegible] لذت [illegible] اپیکور لذت [illegible] الم تولید [illegible] لذت [illegible]
[illegible] تعقیب کرده‌اند [illegible]
[illegible] سبب رنج و الم [illegible]
است [illegible] الم تولید لذت میکند. [illegible]
[illegible]
[illegible] رنج و الم است. [illegible]
[illegible] رنج و الم [illegible]
از نظر [illegible] روانشناسی [illegible]
[illegible] روانشناسی [illegible] از نظر اخلاقی مطالعه [illegible] مطالعه [illegible]
[illegible] اپیکور [illegible] روانشناسی [illegible] رنج و الم [illegible]
[illegible] لذت [illegible] است.
[illegible] لذت و الم [illegible]
[illegible] لذت [illegible]
[illegible] تولید لذت [illegible]
[illegible] الم [illegible]
[illegible] تولید لذت [illegible] تولید الم [illegible]
[illegible] تولید لذت و الم [illegible] لذت و الم [illegible]

اگر چیزی در نفس ما مناسب و موافق با غایات موجود باشد ایجاد لذت و اگر غیر مناسب و ناموافق باشد تولید الم
می‌گردد.

هر فعل و حرکتی که مناسب با قوا و موافق با غایات باشد لذت‌بخش و هر [illegible] که مخالف [illegible] باشد
[illegible] الم‌آور است. [illegible] [illegible] الم است [illegible] [illegible] لذت [illegible] [illegible] الم [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] لذت [illegible] [illegible] حالتی است [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] الم [illegible]
دلیل [illegible] زندگی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] زندگی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] دارد و الم تولید می‌شود. [illegible] [illegible] لذت و الم [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] لذت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] زندگی [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
الم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] لذت [illegible] [illegible] لذت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] لذت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] الم [illegible] [illegible] الم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] لذت و الم [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible].

عواطف [illegible] [illegible] انفعالات [illegible] عواطف [illegible] [illegible] لذت و الم [illegible] [illegible]
و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] عواطف [illegible] لذت و الم [illegible]
(لذت و الم [illegible] [illegible] [illegible] لذت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] الم
[illegible] [illegible] لذت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] انفعالات [illegible] [illegible] [illegible]
انفعالات [illegible] [illegible] [illegible] حالات انفعالی [illegible] [illegible] [illegible] انفعالات [illegible] عاطفه [illegible]. مثلا
[illegible] لذت [illegible] [illegible] الم [illegible] عاطفه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] انفعالات [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حالت انفعالی الم است [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حالت انفعالی [illegible] الم [illegible]
دارد [illegible] [illegible] [illegible] عاطفه است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible].
در عواطف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]: [illegible] [illegible] عواطف [illegible] عاطفه [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] عواطف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] عاطفه [illegible] [illegible] [illegible] عاطفه [illegible] [illegible] مثلا اگر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
دارد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] عاطفه را [illegible] [illegible] اگر [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]. [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] عاطفه [illegible] [illegible] [illegible] مثلا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اگر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]. عواطف [illegible] [illegible] دارد [illegible]
در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] عاطفه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]: [illegible] [illegible]

[illegible] عواطف [illegible] است

[illegible] عشق است. [illegible] عواطف [illegible] عشق [illegible]

[illegible] عواطف [illegible]

[illegible] عشق و [illegible] عواطف است [illegible]؟

چون [illegible] عواطف [illegible] علامت داخلی [illegible]

علامت خارجی. [illegible] عواطف [illegible] James [illegible]

عشق [illegible] عواطف [illegible]

[illegible]

[illegible] عواطف [illegible] است [illegible]

[illegible] عواطف [illegible]

[illegible] عواطف [illegible]

[illegible]

[illegible] عواطف [illegible] است [illegible]

[illegible]

دارد. تمایلات عالی [illegible] دارد [illegible] شخص [illegible] دراز [illegible]

[illegible] امور خارجی [illegible]

[illegible] تمایلات [illegible]

[illegible] تمایلات [illegible]

[illegible] Desir [illegible]

[illegible] Inclination [illegible] Desir [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اصطلاحات [illegible]

تمایلات [illegible] : تمایلات شخصی، تمایلات اجتماعی و تمایلات عالی.

۱ـ تمایلات شخصی [illegible]

[illegible]

تمایلات شخصی [illegible]

[illegible]

اجتماعی [illegible]

[illegible]

[illegible] تمایلات شخصی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تمایلات شخصی [illegible]

[illegible] تمایلات [illegible]

[illegible] تمایلات [illegible]

[illegible] تمایلات [illegible]

[illegible]

[illegible] تمایلات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تمایلات [illegible]

شخصی [illegible] دارد.

۲ـ تمایلات اجتماعی [illegible]

[illegible]

[illegible] تمایلات [illegible] اجتماعی [illegible]

[illegible] تمایلات اجتماعی [illegible]

[illegible] تمایلات [illegible]

[illegible] Sociables [illegible]

[illegible] تمایلات اجتماعی [illegible]

[illegible]

میگوید: مردمان [illegible] دارند [illegible]

[illegible] را ثابت کند و در اینجا بعضی از

[illegible] تمایلات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] میبرد.

گرچه این [illegible]

[illegible]

تمایلات اجتماعی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اجتماعی [illegible] اخلاقی [illegible]

[illegible] اجتماعی [illegible]

[illegible]

[illegible] تمایلات اجتماعی [illegible]

[illegible] تمایلات اجتماعی [illegible] تمایلات شخصی [illegible]

[illegible] است.

تمایلات عالی — بعضی از علما معتقدند که تمایلات عالی [illegible]

تمایلات شخصی [illegible] تمایلات اجتماعی است. [illegible]

نمیتوان منکر شد و عبارتست از: حس حقیقت جوئی، حس اخلاقی، حس یا عاطفه جمال و حس دینی.

حس حقیقت جوئی — مراد از حقیقت جوئی آنست که در بشر طبیعةً تمایلی است که حقیقت امور را دریابد

و بعبارت دیگر حسی است که بشر طبیعةً [illegible] امور را توجیه کند. [illegible]

تمایلات شخصی [illegible] و طبیعةً [illegible] تمایلات [illegible] یا اجتماعی [illegible]

[illegible] حقیقت را دریابد. [illegible] بعضی دارد [illegible] بعضی نیز ندارد و [illegible]

حس [illegible] در کودکان [illegible] تجربه [illegible]

منتهی در [illegible] و ضعف دارد. دیگر آنکه این حس در تمام [illegible]

مردمان مختلفه [illegible]

عبارتست از: علم و فلسفه. [illegible]

[illegible] علم و فلسفه [illegible] تحقیق میکنند [illegible] علم [illegible] فلسفه [illegible]

تحقیق میکند.

۲ — عاطفه یا حس اخلاقی — انسان طبیعةً [illegible]

اخلاقی یا حس اخلاقی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

میکنند.

۳ — حس یا عاطفه جمال — انسان فطرةً و طبیعةً از جمال و زیبائی لذت میبرد و از زشتی [illegible]

متألم میگردد. حس زیبائی و جمال [illegible]

[illegible]

فرق نکرده‌اند. در هر موضوع زیبائی نیز اختلاف وجود دارد. هر چه در بین اشخاص مختلف فرق دارد مثلاً در هر قومی زیبائی فرق دارد و هر امر برای دیگری زشت است مثلاً در اقوام افریقائی زیبائی صورت بکلفتی لبها میدانند در صورتیکه بعضی کلفتی لب در مرا[illegible] بیان [illegible] است. حتی در یک جامعه یک قوم نیز بر حسب زمانهای مختلف [illegible] زیبائی فرق میکند ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ مثلاً در ایران جزو [illegible] ناخن [illegible] زیبا میدانستند امروز بد است.

۴- جنبه دینی - حس دینی عبارت است از اینکه هر کس بطبیعت تصور مبهمی از مبدء کل (خالق) دارد و هر کس بفطرة مایل است که [illegible] پی ببرد. [illegible] در [illegible] تظاهرات گوناگونی یافته است. ادیان و مذاهب مختلف [illegible] که در اثر حس دینی بشر [illegible] پی بردن به مبدء کل را دینی [illegible] دانسته‌اند و [illegible] خلاف.

قدرت تمایلات اجتماعی - در تمایلات اجتماعی [illegible] : [illegible] [illegible] [illegible] نسبت [illegible] [illegible] مثلاً [illegible] [illegible] زحمت میکشند [illegible]. دیگر اینکه محبت [illegible] است و باصطلاح [illegible] دیگر اینکه [illegible] از دیگران [illegible] مورد محبت [illegible] باشند [illegible] تعلیم [illegible].

[illegible] - دسته دیگر از [illegible] شهوت [illegible] تشکیل میدهند [illegible] از تمایلات [illegible] [illegible] [illegible] و انحصار [illegible]. شهوت [illegible] است [illegible] شهوت [illegible] [illegible] انحصار [illegible]. [illegible] تمایلات [illegible] [illegible] اجتماعی [illegible]
[illegible] از تمایلات [illegible] [illegible] است [illegible] از [illegible] شهوت [illegible]

تمایلات اجتماعی [illegible] است [illegible] شهوت [illegible] مثلاً محبت خانوادگی [illegible] [illegible] شهوت [illegible] [illegible] است [illegible] شهوت [illegible]. [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible] شهوت [illegible] تمایلات [illegible] [illegible] است [illegible] شهوت [illegible] مثلاً [illegible] [illegible] [illegible] شهوت [illegible] تبدیل گردد تا جائیکه [illegible] از سایر تمایلات [illegible] دارد.

خاتمه



